

بخش فرهنگی

بخش فرهنگی – پس از گذشت ۴ دهه از آزادسازی خرمشهر، سینماگران همواره تلاش کرده‌اند تا در قالب سینمای دفاع مقدس رشادت‌ها و روزهای تلخ و شیرین مردم در تمام ایران و به ویژه شهرهایی چون خرمشهر را به تصویر کشند.

به گزارش خبرنگار سینمایی ایرنا، امروز سوم خرداد مصادف است با فتح تاریخی خرمشهر. خرمشهر، ۵۷۶ روز در اشغال ارتش صدام حسین بود تا در نهایت در سوم خردادماه سال ۱۳۶۱ طی عملیات «بیت المقدس» آزاد شد. بی‌شک آزادسازی خرمشهر خونی تازه به رگ‌های رزمندگان ایرانی تزریق کرد تا با جان و دل از خاک خود دفاع کنند، هرچند این جنگ ناجوانمردانه تا سال‌ها ادامه داشت اما آزادسازی خرمشهر نقطه عطف پیروزی بزرگ مردان ایران در برابر مهاجمان عراقی بود. شاید بتوان خرمشهر و روایت‌های حقیقی که نسبت به جان بر کفی مردم این شهر که در کنار نظامیان باقی ماندند تا دوشادوش هم در برابر هیولای مهاجم بايستند وجود دارد را یکی از بهترین سوز‌های سینمای جنگ در کشورمان دانست.

طی چهل سال از آزادسازی خرمشهر، فیلم‌هایی در سینمای ایران تولید شده که به نوعی تصویرگر اتفاقاتی است که در طول اشغال و البته در طول ۸ سال دفاع مقدس، در این شهر رخ داده است. فیلم‌هایی که گاه اشاره‌ای کوچک به این شهر کرده و گاه نیز داستان فیلم در این شهر رخ داده است. کارگردانی که در قابل ژانر دفاع مقدس دین خود را به هشت سال جنگ و نقطه عطف آن یعنی آزادسازی خرمشهر ادا کرده اند. نگاهی به ژانر دفاع مقدس تصویرگر این قصه پردازی هاست.

در هنگامهٔ جنگ ایران و عراق و پس‌از آن ژانری به نام دفاع مقدس در سینمای ایران متولد شد که تا امروز و با گذشت چیزی حدود نیم قرن همچنان ادامه و حرف‌های تازه‌ای برای گفتن دارد. در حین جنگ ۸ ساله با عراق و پس‌از آن، سینمای ایران به‌سان جایگاهی بود که اگرچه درون میدان نبود اما در جایگاهی حمایتی، تمام تلاش خود را مصروف آن می‌داشت که رزمندگان‌شان برای وطن چه می‌کنند و دشمن کیست و چه باید کرد. بر این اساس سینما گرچه لزوما در خط مقدم جبهه حضور نداشت (البته فیلم‌برداران جنگی در همان زمان جنگ هم، در خط مقدم و جبهه‌ها مشغول تهیه مستندات می‌بودند که این‌ها بعدها توسط کارگردانی **چون ابراهیم حاتمی** کیا و در نخستین سال‌های فیلمسازیشان **ب** به کار گرفته شدند و سینما حتی در جبهه‌ها هم حضور داشت) اما همهٔ هم‌وغم خود را مصروف مبارز‌های کرده بود که به آن ایمان و اعتقاد داشت و زمین بازی و انجाम‌وظیفه خود را در این عرصه می‌دید؛ عرصهٔ جنگ نرم و مبارزه فرهنگی. رسول ملاقلی پور، کمال تبریزی، ابراهیم حاتمی‌کیا، سیف‌الله داد، احمدرضا درویش، کیومرث پوراحمد، بهزاد بهزادپور ، روح‌الله سهرابی و علی شاه‌حاتمی از جمله کارگردان‌های پرکار و صاحب سبک در این جنس سینما هستند. رسول ملاقلی‌پور (۱۳۳۴–۱۳۸۵) کارگردان، تهیه‌کننده و فیلم‌نامه‌نویس سینمای جنگ و اجتماعی ایران بود که توانست با فیلم پرواز در شب، سیمرخ بلورین بهترین فیلم را از جشنواره فیلم فجر دریافت کند. پس از فوت ملاقلی پور نشان افتخار جهادگر عرصه فرهنگ و هنر برای یک‌عمر فعالیت به‌خواده وی اهدا شد. نینوا (۱۳۶۲)، بلمی به‌سوی ساحل (۱۳۶۴)، پرواز در شب (۱۳۶۵)، افق (۱۳۶۷)، مجنون (۱۳۶۹)، خسوف (۱۳۷۱) پناهنده (۱۳۷۲) نجات‌یافتگان (۱۳۷۴)، سفر به جزایه (۱۳۷۴)، کمکم کن (۱۳۷۷)، هیوا (۱۳۷۷) قارچ سمی (۱۳۸۰)، مزمره پدری (۱۳۸۱) و میم مثل مادر (۱۳۸۵) آثار سینمایی وی درزمینه جنگ و مسائل پس‌از آن است.

کمال تبریزی (۱۳۳۸)، کارگردان ایرانی از دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بود که در اشغال سفارت آمریکا نقش داشت. عبور (۱۳۶۷)، در مسلخ عشق (۱۳۶۹)، لیلی با من است (۱۳۷۴)، شیدا (۱۳۷۷) و گاهی به آسمان نگاه کن (۱۳۸۱) آثار تبریزی در حوزه جنگ و وقایع مرتبط با آن است.

ابراهیم حاتمی‌کیا (۱۳۴۰) کارگردان، نویسنده، تدوینگر، بازیگر و فیلم‌بردار سینمای ایران است. وی دانش‌آموخته رشته سینما (گرایش فیلم‌نامه‌نویسی) از دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر است؛ وی فعالیت‌های سینمایی خود را با ساخت فیلم‌های کوتاه و مستند در رابطه با سینمای جنگ آغاز و برای ساخت فیلم آژانس شیشه‌ای

حسین قریه-مهسا بهادری

سیاوش طهمورت از معایب شهرت می‌گوید و باور دارد وقتی همه شما را دیدند مسئولیت شما زیادتر می‌شود و هیچ‌گونه کار خلاف کوچک را نمی‌توان انجام داد، حتی نمی‌توان از چراغ قرمز هم رد شد. شهرت فقط مسئولیت ایجاد می‌کند، به همین دلیل هست که باید کاری بکنیم که خطا نباشد. ما شهرت را به اشتباه استفاده می‌کنیم و فکر می‌کنیم باید پز بدسیم که معروف هستیم.
ا
به اندازه عکس‌هایش گشاده روست و درست برخلاف نقش‌هایی که بازی کرده انسانی است که سره و نامسرا از او یکدیگر تمیز می‌دهد، با سواد است چون باور دارد دانش ابزار بازیگری است و خودش هم «معرکه در معرکه» را یکبار دیگر و پس از سی سال روی صحنه تئاتر برد تا به همه ثابت کند سیاوش طهمورت با هفتاد و چند سال سن در این عرصه به قدری سر حال هست یک‌تنه هنرش را به رخ بکشد. ما هم به پنهان همان اثر از او خواستیم تا به کافه خیر بیاید، طهمورت آمد و ما مفصل درباره این نمایش صحبت کردیم، و شما می‌توانید قسمت اول مصاحبه را در اینجا مطالعه کنید. اما سابقه درخشان او برای شش دهه فعالیت در سینما، تئاتر و تلویزیون اجازه نداد که مصاحبه را فقط به نمایش معطوف کنیم. به همین دلیل در دو بخش با او گفت‌وگو کردیم و در قسمت دوم که دربره سندیکا، حذف برنامه «نود» از تلویزیون، «زخم کاری»، مشکلات حقوقی و صنف خانه سینما، ساترا و البته فوتبال پرداختیم که در ادامه می‌توانید بخش‌های متفاوت این مصاحبه را بخوانید.

◆ مهر ۱۴۰۱ بود که فیلمی از شما منتشر شد که در آن شما درباره تهیه‌کننده‌های صحبت می‌کنید که پول شما را خورده و حقتان را نداد، خانه سینما نتوانسته کاری انجام بده و دادگاه هم نتوانسته احقاق حق کند، می‌توانید بگویید تهیه‌کننده چه کسی بوده؟

به دو دلیل نمی‌توانم اسم ببرم، یک نمی‌خواهم با آبرو و زندگی دیگران بازی کنم، دوم اینکه وقتی فقط اسم یک نفر را بگوییم بقیه با ماجرا تیره می‌شوند و نباید این گونه باشد.
این سبک تهیه‌کننده را نمی‌بریم اما طبق گفته شما از دادگاه و خانه سینما هم نتوانستند این ماجرا را پیگیری کنند، به چه دلیل است، ما مشکل حقوقی داریم؟ اصناف ما مشکل دارد؟ ایراد اساسی کجاست؟

بعد از چندسالی که گذشت و به دادگاه‌های زیادی که رفتم، ایشان فقط من ماجرا را رها نمی‌کنم، خودش جلو آمد و کم و زیاد پول را داد. من دیدم می‌خواستم ثابت کنم حق آدم‌ها را باید داد. همه جا ممکن است که شما به یک تعداد آدم خوب و یک عده آدم مخرب برخورد کنید و این مخرب بودن را نباید گردن خود آدم‌ها بیندازیم چرا که جامعه هم تاثیرگذار است. ما هر قدر هم پاک و منزه باشیم، می‌توانیم جلوی گرسنگی و احتیاجات خودمان را بگیریم، حالا یکی می‌تواند یک هفته دوام بیاورد، یک نفر یک ماه، یک نفر ۲۰ سال اما به هر حال کم می‌آورد. یک قانونی است که جامعه تدوین کرده و یک قانونی هم هست که تدوین نشده، اما در درون خود ما وجود داشته است و ما قانون انسانی را رعایت نمی‌کنیم. ایراد همین‌جاست.

◆ طبق تجربه شما آن قانونی که باید به قانون انسانی نظارت کند هم دچار مشکل است، درست است؟

بله، اگر آن مشکل نداشته باشد و درست به آن عمل شود اوضاع این‌گونه نمی‌شود. هر کسی که دزدی می‌کند باید مقابلش ایستاد، وقتی این کار را انجام ندهیم، یعنی به قانون انسانی هم تجاوز کرده‌ایم.

◆ صنف سینما هم نتوانست کاری انجام دهد، مشکل از کجاست؟

ما سندیکا نداریم، اگر سندیکا داشتیم لازم نبود من تا این میزان اذیت شوم. این چیزی که الان وجود دارد هم خانه سینما و خانه تئاتر است، حتی موسسه و شرکت هم نیستند، خانه یعنی یک‌وقت‌هایی دور هم دیگر جمع می‌شویم و احوال یکدیگر را می‌پرسیم. اما سندیکا به معنای این است که دنبال حق و حقوق و موفقیت شماست. در همین تئاتر و سینمای خودمان، عده‌ای به ناحق یکبارند و عده‌ای دیگر به ناحق پول خوبی دریافت می‌کنند، چرا؟ آیا آسمان دریده شده، این‌ها به زمین افتادند و با دیگران تفاوت دارند؟ خیر، این‌گونه نیست. مشکل از جای دیگر است.

◆ در همین خانه‌سینما مشکل زیاد است، اما در حال حاضر مطالبه و درد اصلی کجاست؟

این موردی که می‌گویم مربوط به چندسال اخیر نیست، ما همیشه در طول تاریخ می‌خواهیم کاری انجام دهیم که مسئولیت از گردن دیگری بپازشود، به همین دلیل دیگران از ما سواستفاده می‌کنند و اگر ضعف و نقصانی هست، خودمان مقصرش هستیم، چون مسئولیت‌پذیر نیستیم این فقط برای خانه سینما نیست در همه جا

{فرهنگی}

سینما در روایت خرمشهر چه کرد؟

چهارمین اثر او بود که توانست نظر منتقدان را جذب کند. دوئل که از آن به‌عنوان عظیم‌ترین فیلم ژانر دفاع مقدس یاد می‌شود در سال ۱۳۸۲ با کارگردانی درویش ساخته شد. فیلم‌نامه دوئل، یکی از فیلم‌نامه‌های بسیار خوب، در چند دهه اخیر سینمای ایران است. دوئل دارای فیلم‌برداری بیگ پروداکشن و صدای دالبی است. در سال ۱۳۹۳ نشان افتخار جهادگر عرصه فرهنگ و هنر برای یک‌عمر فعالیت به وی اهدا شد. درویش ۲ بار برای فیلم‌های دوئل و روز رستاخیز برنده سیمرخ بلورین



بهترین کارگردانی جشنواره فیلم فجر شده است. آخرین پرواز (۱۳۶۸)، ابلیس (۱۳۶۹)، کیمیا (۱۳۷۳)، سرزمین خورشید (۱۳۷۵)، دوئل (۱۳۸۲) آثار سینمایی درویش در حوزه جنگ و دفاع است.

کیومرث پوراحمد (۱۳۲۸) کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس، تدوینگر و تهیه‌کننده است که اتوبوس شب (۱۳۸۵) و ۵۰ قدم آخر (۱۳۹۲) فیلم‌های برجسته وی در ژانر دفاع مقدس هستند. بهزاد بهزادپور (۱۳۴۰) کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس، تدوینگر و بازیگر سینما است که سه‌گانه‌ای را با مضماین جنگ و دفاع ساخته است؛ خداحافظ رفیق (اپیزود اول ۱۳۸۲)، خداحافظ رفیق (اپیزود دوم ۱۳۸۲) و خداحافظ رفیق (اپیزود سوم ۱۳۸۲). روح‌الله سهرابی (۱۳۵۷) نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان ایرانی است که پرمخاطب‌ترین سریال سال ۱۳۹۵ تلویزیون ایران با نام آرام می‌گیریم را در کارنامه حرفه‌ای خود دارد. خاکستر و برف (۱۳۹۱) و آرام می‌گیریم (۱۳۹۵) آثاری با مضمون دفاع مقدس و ادبیات جنگ هستند.

تلویزیون باید تا صد سال آینده بابت حذف «نود» عذرخواهی کند

کارگردان «زخم کاری» پشیمان شد که من را زود کشته!

صدق می‌کند حتی در یک آپارتمان همه از مدیر شدن فرار می‌کنند.

◆ منافع افراد کجاست که سلب مسئولیت می‌کنند؟ مثلا در خانه سینما و خانه تئاتر من سلب مسئولیت می‌کنم که بعدا فقط غر بزیم؟ ماجرا چیست؟

مشکل این است که کسی که در یک‌جایی به مسئولیتی می‌رسد، عواملی با خودشان دارند و وقتی روی کار باشند منافع همان اطرافیان تأمین است و بقیه بی‌کار می‌مانند. باور کنید آدم روی حسیر با یک خانه خیلی کوچک می‌تواند راحت زندگی کند، به شرط آنکه وجدان راحتی داشته باشد و این خیلی لذت‌بخش است، آن خانه‌های ۶۰۰ متری به چه کاری می‌آید؟ مگر چقدر جا برای خوابیدن لازم است؟ این موارد کمبود دوران کودکی است که می‌خواهیم پز بدسیم. اما اگر به آن قهقهه‌ها آگاه باشیم، می‌توانیم آن را کنترل کنیم و این حرف من نیست، حرف روانشناسان بزرگی مثل فروید است، اما ما حتی حاضر نیستیم کنکاش کنیم که مشکل از کجاست.

◆ کدام هنرمندان نمایش سیاوش طهمورت را دیدند؟

بازی کردن در نقش منفی خیلی جسراد می‌خواهد، مخصوصا وقتی که خود شما یکی از افرادی هستید که بسیار به اخلاق و انسانیت پایبند هستید، «زیر تیغ»، «زخم کاری» و «نابرده رنج» یکی از بهترین آثار شما بود، چگونه با اینکه تا این میزان با خودتان تفاوت دارد، کار را به ثمر می‌رسانید؟

طبق تجربه زندگی به این نتیجه رسیدم که در تجربه زیستی ابتدایی که ما زن خاصی نداشتیم، اما به مرور زمان و طبق تجربه زمستی که با یکدیگر داشتیم باعث ایجاد آن زن‌ها شد‌ایم و در طول تاریخ آن زن مشترک باعث می‌شود که ما در باطن خلق و خوی مشترکی با هم داشته باشیم. پنجده درصد باقی مانده هم مربوط می‌شود به اجتماعی که ما در آن زیست می‌کنیم. اگر در کنار دریا زندگی کنیم شکل دیگری می‌شویم و اگر در کویر باشیم یک شکل دیگر از آن زن نمایان می‌شود، در واقع این محیط زندگی روی شکل‌گیری گونه‌های دیگری از زن‌های ما تاثیر می‌گذارد، پس من می‌شوم سیاوش طهمورت اما همه آن‌ها را در خودم دارم، پس باید عصبانی بشوم، ناسزا بگویم، گاهی پیش می‌آید که می‌گویند آقا! شما هنرمندی چرا عصبانی می‌شوی؟ خوب چه ربطی دارد؟ من هم آدمم، به همین دلیل است که من باور دارم نقش منفی و مثبت وجود ندارد، چون همه چیز در همه افراد هست.

◆ بازی شما در «زخم کاری» فوق‌العاده بود و البته نقش کوتاهی هم داشتید، نکته مهمی که وجود داشت اندازه نقتشان بود که با اینکه کم بود، اما بسیار تاثیر داشت.

بهترین کارگردانی جشنواره فیلم فجر شده است. آخرین پرواز (۱۳۶۸)، ابلیس (۱۳۶۹)، کیمیا (۱۳۷۳)، سرزمین خورشید (۱۳۷۵)، دوئل (۱۳۸۲) آثار سینمایی درویش در حوزه جنگ و دفاع است.

کیومرث پوراحمد (۱۳۲۸) کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس، تدوینگر و تهیه‌کننده است که اتوبوس شب (۱۳۸۵) و ۵۰ قدم آخر (۱۳۹۲) فیلم‌های برجسته وی در ژانر دفاع مقدس هستند. بهزاد بهزادپور (۱۳۴۰) کارگردان، فیلم‌نامه‌نویس، تدوینگر و بازیگر سینما است که سه‌گانه‌ای را با مضماین جنگ و دفاع ساخته است؛ خداحافظ رفیق (اپیزود اول ۱۳۸۲)، خداحافظ رفیق (اپیزود دوم ۱۳۸۲) و خداحافظ رفیق (اپیزود سوم ۱۳۸۲). روح‌الله سهرابی (۱۳۵۷) نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان ایرانی است که پرمخاطب‌ترین سریال سال ۱۳۹۵ تلویزیون ایران با نام آرام می‌گیریم را در کارنامه حرفه‌ای خود دارد. خاکستر و برف (۱۳۹۱) و آرام می‌گیریم (۱۳۹۵) آثاری با مضمون دفاع مقدس و ادبیات جنگ هستند.

پنجشنبه ۴ خرداد ۱۴۰۲ ۵

سینما در روایت خرمشهر چه کرد؟

علی‌شاه‌حاتمی (۱۳۳۹) کارگردان و نمایشنامه‌نویس است. وی فعالیت هنری را در سینما با بازیگری و کارگردانی در فیلم‌های کوتاه آغاز کرد. برنده آهینین (۱۳۷۰)، آخرین شناسایی (۱۳۷۲) و ترکش‌های صلح (۱۳۷۹) از آثار وی مرتبط با جنگ و حواشی مرتبط با آن هستند.

سیف‌الله داد (۱۳۳۴–۱۳۸۸) تهیه‌کننده، فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان ایرانی بود. کاتی مانگا (۱۳۶۶) عنوان فیلمی جنگی و دومین اثر سینمایی داد است و رکورد طولانی‌ترین اکران در تاریخ سینمای ایران را با پانزده سال نمایش دارد. بازمانده یک فیلم سینمایی تاریخی محصول سال ۱۳۷۲ در مورد نزاع اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به کارگردانی سیف‌الله داد است.

ملاقلی پور در سال ۱۳۶۴ و در فیلم سینمایی بلمی به سوی ساحل داستان تکاورانی را روایت کرد که با شنیدن خبر خطر سقوط خرمشهر به سمت این شهر عزیمت کرده تا سهمی در نجات این شهر داشته باشند. فیلمی که قهرمانان آن برای رسیدن به خرمشهر با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند و در نهایت در این شهر نیز به شهادت می‌رسند.

بلمی به سوی ساحل

احمدرضا درویش در سال ۱۳۷۳ اولین اثر از سه گانه خود را با نام کیمیا را جلوی دوربین برد. داستان این فیلم زمانی رخ می‌دهد که عراق به خرمشهر حمله کرده و همسر شخصیت اصلی داستان، در بیمارستان شهر بعد از به دنیا آمدن فرزند خود، می‌میرد. رضا نیز به دست عراقی‌ها اسیر می‌شود. حالا رضا بعد از گذشت سال‌ها و رهایی از اسارت به دنبال دختر خود است که توسط پزشک معالج همسرش به فرزندی پذیرفته شده است.

کیمیا

دوئل دیگر اثری است که درویش درباره خرمشهر و در سال ۸۱ روانه پرده سینماها می‌کند. جدا از داستان متفاوت فیلم که در جریان اشغال خرمشهر رخ می‌دهد، درویش با بهره‌گیری از صدای دالبی و بروز ترین تکنیک‌های سینمایی تصویری متفاوت و تکان دهنده از حمله ارتش عراق به خرمشهر به تصویر کشد.

دوئل

حمید فرخ نژاد در سال ۱۳۷۹ فیلمی سینمایی با موضوع خرمشهر را جلوی دوربین می‌برد که نام آن را سفر سرخ گذاشت. داستان این فیلم در روز سقوط خرمشهر رخ می‌دهد که تعدادی از نیروی‌های مردمی به همراه دو مجروح و دو پرستار و گروهی از مردم به قصد خروج از شهر به پلی می‌رسند که به دست نیروهای ارتش عراق افتاده است. گروه تصمیم می‌گیرد برای نجات غیرنظامیان، جدا از آنها طی مسیر کند و در گذر از مسیرهای مختلف با ماجراهایی از جنگ درگیر می‌شوند.

سفر سرخ

روز سوم به کارگردانی محمدحسین لطیفی است که در سال ۱۳۸۵ تولید شد. داستان این فیلم در آخرین روزهای مقاومت در خرمشهر را نشان می‌دهد و روایت خواهر و برادر خرمشهری است که در کنار دیگر مردم در شهر باقی مانده‌اند تا از خاک خود دفاع کنند، در این میان پاهای خواهر شکسته و با تنگ شدن حلقه محاصره، امکان فرار ندارد. برادر تصمیم می‌گیرد تا برای اینکه خواهرش به دست عراقی‌ها نیوفتد، او را در شرایطی خاص خاک کرده تا شبانه برای نجات او بازگردد.

روز سوم

منیر قیدی کارگردان زن سینمای ایران که پیش از این تجربه ساخت فیلم‌هایی با موضوع دفاع مقدس داشته است، در فیلم سینمایی دسته دختران به سراغ قهرمانان زن در روزهای دفاع از خرمشهر می‌رود و تمام تلاش خود را می‌کند تا نقش کلیدی زنان قهرمان خرمشهر را در دفاع از این شهر در کنار مردان به تصویر کشد. زبانی که هر کدام با اهداف و البته مشکلاتی که دارند با هم همراه شده تا نوعی پیام خود را در دفاع از خرمشهر ایفا کنند. در این فیلم بازیگرانی نیکی کریمی، پانته‌ا پناهی، فرشته حسینی، هدی زین‌العابدین، صدف عسکری، یاسین مسعودی، حسین سلیمانی و مهدی حسینی نیا بازی کرده‌اند.

کرده؟ وارد سیاست شده؟ اقتصاد را منحل کرده چه کار کرده است؟

حالا بدتر از حذف عادل، آدمی است که جای او می‌نشیند، اگر کسی جای آن فرد نشیند، مسئولین می‌گویند بخشیداش اشتباه کردیم و فرد را سرکار بر می‌گردانند، اما هنوز نمی‌گویند اشتباه کردیم.

شاید باورتان نشود که من سال‌هاست بازی‌های داخلی را کامل تماشا نمی‌کنم نه اینکه بازیکنان خوبی نداشته باشیم، اما این را فراموش کردیم که فوتبال یک تکنیک و علم است، فرد باید روانشناسی بلد باشد نه اینکه فقط دنبال توپ بدود و مشکل کسانی ما هم این است که مریی خوب نداریم.

◆ ما در یک موقعیتی با علی دایی و خداد عزیز ی صعود می‌کنیم و در موقعیتی دیگر شش گل می‌خوریم، در چنین شرایطی چه چیزی تغییر کرده؟

آن‌ها خود ساخته بودند، توی بازیگری هم از این موارد داریم که استعداد خودشان بوده است و اینکه یک نفر در تیم نمی‌تواند کاری کند، همین الان ستاره فوتبال در تیم عربی تلاش می‌کند اما نمی‌تواند هیچ‌کاری انجام دهد و دائم گل می‌خورند. در هر موقعیتی، این جمع است که می‌تواند پیروز شود.

◆ بین کارگردانی که در سینما با آن‌ها کار کردید، کدام اثر برای شما خیلی متفاوت بوده است؟

مهرجویی تنها کارگردانی بود که وقتی می‌آمد یک برگه آچار دستش بود و کار را دکوپاژ کرده بود و کار را مونتاژ شده ضبط می‌کرد. کارگردان فقط درنظر گرفتن خط فرضی نیست، اینکه یک کارگردان بتواند بازیگر را راهنمایی کند ملاک است. بازیگردان هیچ معنایی ندارد، کارگردان نهایتا می‌تواند دستیار داشته باشد که او هم باید فضای ذهنی کارگردان را بداند. بازیگردان خودش می‌بلد نیست ما می‌توانیم کارگردان هنرمان داشته باشیم. مهرجویی چون می‌دانست چه چیزی می‌خواهد و می‌دانست چلماتش چه معنا و مفهومی را منتقل می‌کند، کارهایش را تک دوربین می‌گرفت.

◆ همکاری شما با میرباقری خیلی بسیار بود.
میرباقری خودش یک تفکرات خاصی دارد و اصرار هم دارد که آن تفکرات شکل بگیرد و در آن زمینه هم موفق است.

◆ به جز مهرجویی و میرباقری با چه کسی کار کردید که به جانتان نشسته است؟
شاید این ایراد من باشد، اما نکته ای که وجود دارد این است که من کاری با حرف کارگردانان ندارم و کاری که بخواهم را انجام می‌دهم البته به نحوی انجام می‌دهم که ۱۰۰درصد مورد پذیرششان باشد. یادم است سر «نابرده رنج» یک سکانسی بود که من باید از مر مزد می‌شدم، به آقای بذرفران گفتم یک خواهشی ازت دارم، می‌خواهم یک کاری انجام دهم، یک‌بار هم بیشتر انجام نمی‌دهم و شروع کردم به آن کارها و لذت برد و اصلا کات نکرد. کارگردان درک می‌کند و این را می‌پذیرد.

◆ رابطه دولت‌های متوعی که در ایران بودند، با هنرمندان چگونه بود و آیا جای هنرمند در زندان است؟

هنرمند یک بخشی از جامعه است، همه مردم جامعه گاه در یک موقعیتی قرار می‌گیرند که حقتشان نیست در آن وضعیت باشند.

◆ یک واژه‌ای به نام سلب‌ریتی وجود دارد، شما آن را چگونه معنا می‌کنید؟
اول از همه ما باید از واژه‌های فارسی استفاده کنیم، سلب‌ریتی چه معنایی دارد؟ ما سلب‌ریتی و هنر لاچگری نداریم، شهرت و معروفیت یعنی چه؟ این در خدمت چیست؟ جالب اینکه جامعه هم از این افراد توقع دارد، هنرمند هیچ فرقی با کفایش و بقال و نجار ندارد. نباید او را از جامعه جدا کرد.

◆ پس نباید از هنرمند انتظار واکنش در مسائل را داشت، درست است؟
کل چرا از آن راننده و کفایش انتظار ندراند؟ اگر هم انتظاری وجود دارد، از کل جامعه است. ما نباید توقعمان را روی یک آدم معطوف کنیم. انجام کار هنری به معنای این نیست آن بسیار کار سخت و دشواری است. هنرمند اگر به معنای واقعی کلمه هنرمند باشد امکان ندارد صبح به صبح که اخبار را می‌شنود گریه‌اش بگیرد.

◆ شهرت یک بوی نامعنی ندارد، اما الان خودتان یک آدم مشهورید، پس بگویند نقطه مثبت و منفی شهرت چیست؟

وقتی همه شما را دیدند مسئولیت شما زیادتر می‌شود و هیچ‌گونه کار خلاف کوچک را نمی‌توان انجام داد، حتی نمی‌توان از چراغ قرمز هم رد شد. شهرت فقط مسئولیت ایجاد می‌کند و به همین دلیل هست که باید کاری بکنیم که خطا نباشد. ما شهرت را به اشتباه استفاده می‌کنیم و فکر می‌کنیم باید پز

بدهیم که معروف هستیم.